قیمت ۲۰۰۰ تومان/شماره ۲۰
toseeirani.ir
روزنامه صبح
سیاسی،اجتماعی،اقتصادی
یکشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۷ /۸ ذی‌القعده ۱۴۳۹ / ۲۲ جولای ۲۰۱۸

توسعه ایران



رهبر معظم انقلاب
در دیدار با کارکنان دستگاه دیپلماسی کشور:

تصور حل مشکلات از راه مذاکره یا رابطه با آمریکا خطایی واضح است

همین صفحه



رسوایی‌های اخلاقی ترامپ تمامی ندارد

خیانت در خیانت

جهان ۵



طرح: توسعه ایرانی

شفاف‌سازی ناکار آمد در بن‌بست

الف–بای سرگردانی

همان زمان اکبر هاشمی رفسنجانی که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و در عین حال عضو مجلس خبرگان رهبری بود در خطبه‌های نماز جمعه گفت: «این‌قدر بحث از اختلاس و دزدی نکنید و روحیه مردم را خراب نکنید. وقتی که ما یک سدی را می‌سازیم و مثلاً ده میلیارد خرج می‌کنیم، ممکن است از قبل آن، پانصد میلیون هم اختلاس شود، اما این سد برای کشور می‌ماند و هیچ کس نمی‌تواند از این سد اختلاس یا دزدی کند!» خوب آن وقت‌ها کشور هنوز به خط قرمز ناامیدی و بی‌اعتمادی نزدیک نشده بود. از فسادهای مالی هم تنها یک موردش درز کرده و فضای مجازی هم وجود نداشت که بخواهد موج مطالبه گری راه بیندازد، بنابراین حرفی از شفاف‌سازی زده نشد و سر و ته آن مورد و موردهای مشابه با چنین سخنرانی‌هایی به هم آمد. اما حالا ۲۰ سال گذشته و اوضاع فرق کرده است. آن فساد مثل غده‌ای سرطانی به همه جا پنجه انداخته و بوی تعفنش کم و بیش از هر ارگان و نهاد و تشکیلاتی به مشام می‌رسد...

سیاست ۲

جامعه لبریز از اخبار متناقض در مورد بهای سکه است

سکه ۴میلیون تومان را خواهیم دید؟

آنگونه که از اظهارات عضو هیات مدیره اتحادیه فروشندگان و تولیدکنندگان صنف طلا مشخص

چرتکه ۳

نگاهی به ۱۵ سال رپ‌خوانی فارسی

رپ فارسی امروز آگاه‌تر، خلاق‌تر، تجاری‌تر

چهارگاه ۹

نگرانی کنگره آمریکا از روابط روسیه و آلمان

اروپا اسیر که خواهد شد؟

جهان ۴

مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی روستاییان، کشاورزان و عشایر اعلام کرد:

راهکارهایی برای دریافت مستمری بیشتر در دوران بازنشستگی

دسترنج ۷

سرمقاله

سنگی در چاه

برخی از سیاست‌ها و تصمیمات فرابخشی از آن جهت بسیار مهم هستند که تبعات بسیار فراوانی را به همراه دارند و به همین جهت نمی‌توان بدون مطالعه دقیق و بررسی جامع و همه‌جانبه تبعات آن به سرعت تصمیم گرفت. برخلاف برخی تصمیمات که تبعات و دامنه اثرگذاری محدودی دارند و درست یا غلط بودن آن تصمیم دایره کوچکی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، زمانی که درباره سیستم‌ها تصمیم می‌گیریم نمی‌توان به راحتی و سهولت قبل این مهم را به انجام رسانید.

یک مهندس مکانیک زمانی که قطعه‌ای را برای موتور خودرو یا هواپیما طراحی می‌کند بدون توجه به تبعات تک تک تصمیماتی که در ساخت این قطعه اتخاذ می‌کند نمی‌تواند محصول نهایی را معرفی نماید. او ناچار است سازوکار سایر قطعات موتور را نسبت به این قطعه، میزان فشار، دما، ضریب فرسایندگی و صدها عامل تاثیرگذار دیگر را بررسی نماید و پیش‌بینی کند این قطعه در حالتها و شرایط گوناگون چه واکنشی از خود نشان می‌دهد و برای هر کدام از آن حالتها برنامه‌ای داشته باشد. البته در مورد یاد شده و اساسا زمانی که با فیزیک و ریاضی سر و کار داریم مطالعه و پیش‌بینی بسیار سهل‌تر از زمانی است که مثلا با بدن یک موجود زنده سروکار داریم.

پزشکان و داروسازان برای تجویز یا ساخت دارو مطالعات و بررسی‌های دقیقی صورت می‌دهند و با اتکا به آن مطالعات و بررسی‌ها تصمیم نهایی را در خصوص فرد بیمار و بیماری وی می‌گیرند و پیش‌بینی می‌کنند سایر اندام بدن فرد بیمار نسبت به آن دارو چه واکنشی از خود نشان خواهند داد. با این حال چه بسا حتی پس از انجام تمام این مطالعات و تحقیقات باز هم واکنشی که از یک بیمار خاص مشاهده می‌شود با آنچه پیش‌بینی شده است بسیار متفات باشد. هرچند مطالعه واکنش‌های اندام یک موجود زنده و پیچیده مانند انسان بسیار دشوارتر از موتور هواپیما یا خودرو است. حال جامعه را به عنوان یک موجود زنده در نظر بگیرید که سلولها و اندامهای آن را تک تک افراد آن جامعه تشکیل می‌دهد. طبیعتا زمانی که سیاست‌گذاران و تصمیم گیرندگان قصد دارند در خصوص جامعه تصمیمی اتخاذ کنند باید واکنش تک تک سلولها و اندامهای جامعه را در حالتها و شرایط مختلف در نظر گرفته، پیش‌بینی نموده و برای اکثر این حالتها و واکنشها برنامه‌های مختلف و موثری داشته باشند. ناگفته پیداست زمانی که با موجودی سروکار داریم که اجزای تشکیل دهنده آن را انسانها تشکیل می‌دهند تصمیم گیری تا چه اندازه می‌تواند دشوار و خطیر باشد زیرا در این تصمیم گیری لاجرم می‌بایست واکنش اکثریت قریب به اتفاق جامعه را پیش‌بینی کرد و برای آن برنامه داشت. با توجه به این مقدمه چنانچه تصمیم دولت در خصوص «تک‌نرخی» کردن ارز را نگاهی اجمالی بیاندازیم متوجه خواهیم شد این تصمیم تا چه اندازه ناسنجیده، بی‌مطالعه و نابخردانه اخذ شده است به گونه‌ای که در بسیاری از موارد به ضد خود عمل کرده و به روغن بادامی تبدیل شد که خشکی افزود! با تصمیم نابخردانه دولت ارزش پول ملی در کمتر از یک ماه تا ۴۰ درصد کاهش یافت. معمولا در چنین شرایطی انتظار می‌رود که با کاهش ارزش پول ملی حجم صادرات افزایش یافته و در مقابل میزان واردات کاهش یابد اما در عمل این اتفاق نیافتاد و صف ثبت سفارش برای واردات انواع و اقسام کالاهای ضروری و غیرضروری بسیار طولانی شد و با توجه به تفاوت قیمتی که میان نرخ دلار دولتی و نرخ دلار در بازار آزاد به وجود آمد چه فسادها که به وجود نیامد تا آنجا که رئیس جمهور از وجود یک فساد گسترده و هماهنگ در بدنه دولت خبر داد. فلسفه وجودی چنین تصمیمی آن بود که ارز از کشور خارج نشود اما در عالم واقع و بنا بر اظهارات مسئولین قضایی و دولتی در همین مدت اندک حجم زیادی ارز از کشور خارج شد.

دولت در اقدام ناسنجیده خود همزمان فعالیت بازار دوم ارز را ممنوع اعلام کرد و اعلام شد هر آنکس که در بازار دوم و با نرخی خارج از نرخ دولتی ارز معامله کند قاچاقچی است. طبیعی بود که بازار به این عتاب و خطابها وقعی نمی‌نهد و کار خود را می‌کند اما جالب آن بود که خرید و فروش ارز در بازارهای زیرزمینی با قدرت ادامه داشت و با تعریف دولت بسیاری از افراد یک شبه قاچاقچی محسوب می‌شدند.

در همین ایام و در نهایت تعجب دولت از مسافرتی را در اختیار مسافران قرار می‌داد و هنوز هم این روند ادامه دارد. به این ترتیب بسیاری از مردم با سفر به یکی از کشورهایی که نیاز به ویزا ندارد ضمن یک تفریح چندروزه و گرفتن هزار یورو و فروش آن در بازار آزاد هم مسافرت خارج از کشور را تجربه می‌کنند و هم با فروش ارز دولتی در بازار آزاد سود خوبی هم به جیب می‌زنند. به این ترتیب بود که در همین چند ماه بسیاری از اطرافیان و دوستان و آشنایان راهی سفر خارجند! این در حالی بود که دولت با افزایش عوارض خروج قصد داشت از میزان مسافرتهای خارج از کشور جلوگیری کند که این دو تصمیم در مقابل هم صحنه بسیار خنده‌داری ایجاد می‌کند. حتی سفرهای خارجی با این شرایط سازماندهی شده است و برخی از آژانسهای مسافرتی ضمن سازماندهی متقاضیان آنها را به یکی از کشورهای مزبور برده و تمام هزینه سفر افراد را متقبل می‌شوند و در مقابل ارز مسافرتی آنها را برای خود برمی‌دارند!!

هفته‌ها طول کشید تا دولت به ناقص بودن و نابخردانه بودن تصمیم خود پی ببرد و در نهایت مجبور شد تا بازار دوم را هرچند ناقص به رسمیت بشناسد و خرید و فروش ارز با نرخ توافقی را آزاد اعلام نماید. حال نیز زمزمه‌هایی از قطع ارز مسافرتی به گوش می‌رسد. اقدامی که باید همزمان با تک نرخی شدن ارز و همگام با به رسمیت شناخته شدن بازار دوم صورت می‌گرفت. وضعیت نامشخص ارز مسافرتی هیجان خاصی را بین مسافرانی که این روزها بلیت سفر دارند، ایجاد کرده است. شعب بانک‌ها میزبان مسافرانی است که نمی‌دانند آیا پرداخت ارز تا زمان سفر آن‌ها برقرار خواهد بود یا خیر. گزارش‌ها از باجه ارزی بانکها در فرودگاه امام(ره) از آشفتگی و ازدحام مسافران خبر می‌دهد. این همه نشان از آن دارد که دولت در تصمیمی که در خصوص بازار ارز اتخاذ کرد بی‌گدار به آب زد و به همان مواردی متهم است که خود دولت پیشین را بدان متهم می‌کرد. ظاهرا حکایت «فرد خاصی» که سنگی را در چاهی انداخت و حال عاقلان را برای بیرون آوردن آن پریشان کرد هنوز مصداق‌های عینی خود را دارد البته اگر عاقلی در میدان باقی مانده باشد.

خبر

رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارکنان دستگاه دیپلماسی کشور:

تصور حل مشکلات از راه مذاکره یا رابطه با آمریکا خطایی واضح است

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار سفیران، کارداران و مسئولان وزارت امور خارجه، تأمین و حفظ منافع ملی به معنای حقیقی را هدف اصلی سیاست خارجی خواندند و با بیان باید‌ها و نبایدهای دیپلماسی در نظام اسلامی افزودند: تصور حل مشکلات از راه مذاکره یا رابطه با آمریکا خطایی واضح است. می‌توان با روحیه صحیح انقلابی و دیپلماسی هوشمندانه و هدفمند، روابط خارجی را گسترش داد و عناصر قدرت نظام را به پشتوانه‌ای برای دستاوردهای سیاسی و دیپلماسی تبدیل کرد. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنان خود با اشاره به شرایط کنونی و جبهه گسترده‌ای که ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته، تلاش دیپلماسی را در بر دارنده اجرالهی و افتخاری تاریخی و ملی در دفاع از حقانیت ملت ایران دانستند و گفتند: در چالش‌ها، انسان غیرتمند و صبور و خردمند، بر تلاش‌ها و حجم و کیفیت کار می‌افزاید، بنابراین باید روحیه‌ی تازه‌سازی فعالیت‌ها در دستگاه دیپلماسی گسترش یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: حفظ سلامت دینی و طهارت روحی و معنوی خود و خانواده و پایبندی رفتاری و گفتاری به مسائل شرعی از مهمترین وظایف مسئولان و کارکنان وزارت امور خارجه به‌ویژه سفرا و اعضای نمایندگی‌های ایران در خارج است. ایشان با تأکید بر اینکه دستگاه دیپلماسی بخش اصلی سیاست خارجی کشور و نمای بیرونی نظام جمهوری اسلامی است، خاطرنشان کردند: وزارت امور خارجه و به‌ویژه سفرا باید عمیقاً به ارزشهای اسلام و انقلاب پایبند باشند و رفتار و گفتار آنان، منعکس کننده این ارزشها باشد. رهبر انقلاب اسلامی در ادامه تبیین باید‌ها و نبایدهای دیپلماسیِ نظام اسلامی، شرط لازم برای نمایندگان دیپلماسی را برخورداری از روحیه قوی و مستحکم، امید به آینده و بهره‌مندی از احساس حقانیت برشمردند و با اشاره به موضوع مهم منافع ملی، گفتند: هدف اصلی و واقعی دیپلماسی، حفظ منافع ملی است و تعامل یا تقابل، تنها روشهایی برای تأمین منافع ملی هستند. حضرت آیت الله خامنه ای، منافع ملی را برگرفته از سیاست‌های اصلی و ارزشهای نظام دانستند و تأکید کردند: دستگاه دیپلماسی باید منافع ملی را حفظ و تأمین کند. ایشان، سخنان رئیس جمهور را در سفر اخیر به اروپا مبنی بر اینکه «اگر نفت ایران صادر نشود، نفت هیچ کشوری در منطقه صادر نخواهد شد» سخنانی مهم و حاکی از سیاست و رویکرد نظام برشمردند و افزودند: وظیفه وزارت امور خارجه پیگیری جدی اینگونه مواضع رئیس جمهور است. رهبر انقلاب اسلامی در ادامه به موضوع «دیپلماسی ایدئولوژیک» اشاره و خاطرنشان کردند: برخی به غلط، سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آورند، در حالی که دیپلماسی ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القاء تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی، صحیح و منطقی نیست. حضرت آیت‌الله خامنه ای با تأکید بر اینکه هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است، افزودند: ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت محسوب می‌شود. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به وجود ایدئولوژی در رفتار و سیاست‌های دولتهای غربی، گفتند: امریکایی‌ها در سخنان خود بارها از عبارت «ارزشهای امریکایی» استفاده می‌کنند که همان ایدئولوژیِ آنها و برگرفته از اعلامیه استقلال امریکا است و در کشورهای اروپایی نیز تفکرات ایدئولوژیک بر رفتار و فعالیت‌های سیاسی آنها حاکم است. ایشان ارتباط خردمندانه، هوشمندانه، هدفمند و منطقی با جهان را برخاسته از نگاه اسلامی نظام و کاملاً منطبق با دیپلماسی ایدئولوژیک خواندند. رهبر انقلاب اسلامی تحقق و بروز روحیه انقلابی را در تعاملات و رویکردهای دیپلماتیک ضروری دانستند و افزودند: دیپلمات ایرانی باید به انقلاب افتخار کند و در تعاملات کاری او، «عزت، احساس اقتدار و اعتماد به نفس» به روشنی مشاهده شود که البته این رفتار و منش انقلابی با بیان حرفهای نامعقول و ایجاد هیاهو کاملاً متفاوت است. حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین ضرورت برخورداری سفیران و دیپلماتهای ایرانی از احساس حقانیت، به موضوع جنگ روانی بی‌وقفه دشمنان اشاره کردند و افزودند: باید با احساس حقانیت و با آگاهی و تسلط در مباحث چالشی، پاسخهای قاطع و منطقی به اتهامات بیگانگان داد.

ایشان، متهم کردن دائم ایران به یک مسئله منفی را دستور کار اصلی جنگ روانی مستمر دشمنان خواندند و افزودند: برای تحقق این هدف، «ایران هراسی، ایران ستیزی، ایران گریزی، اتهام نقض دموکراسی، نبود آزادی و نقض حقوق بشر» مدام در تبلیغات بیگانگان تکرار می‌شود. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به جنایات اروپایی‌ها و غربی‌ها در مستعمرات گذشته، محدود بودن دموکراسی در غرب به مقررات و بانظر مراکز خاص، وجود دیکتاتوری حزبی در امریکا و برخی کشورهای اروپایی و نیز جنایات فعلی غربی‌ها از جمله همدستی با سعودی‌ها در کشتار مردم یمن افزودند: غربی‌ها مظهر نقض حقوق بشر هستند اما با وقاحتِ تمام، ایران را متهم می‌کنند به گونه‌ای که گاه انسان از شدت وقاحت آنها حیرت می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی تصور حل مشکلات کشور با مذاکره یا رابطه با امریکا را خطایی واضح خواندند و افزودند: امریکا با اصل نظام اسلامی مشکل اساسی و مبنایی دارد، ضمن اینکه کشورهای فراوانی در افریقا، آسیا و امریکای لاتین هستند که با امریکا رابطه دارند اما همچنان با مشکلات فراوان دست به گریبانند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین دشمنی عمیق امریکا با جمهوری اسلامی خاطرنشان کردند: امریکایی‌ها به دنبال بازگشت به موقعیت و جایگاه خود در ایران قبل از انقلاب هستند و به کمتر از این هم راضی نخواهند شد. ایشان مخالفت امریکا با «توان هسته ای و قدرت غنی سازی بالا و نیز حضور ایران در منطقه» را ناشی از خصومت عمیق آنها با عناصر اقتدار نظام اسلامی برشمردند و افزودند: حضور منطقه‌ای جزو عناصر قدرت و امنیت ایران است و عقبه راهبردی کشور محسوب می‌شود، به همین علت دشمنان با آن مخالفند. رهبر انقلاب با اشاره به بیان مکرر غیرقابل اعتماد بودن امریکا از زبان مسئولان کشور افزودند: بنده از قدیم این نکته را خاطرنشان می‌کردم که روی حرف و حتی امضای امریکایی‌ها نمی‌توان حساب کرد، بنابراین مذاکره با امریکا هیچ فایده‌ای ندارد. ایشان فعال کردن ظرفیت‌های استفاده نشده یا کم استفاده شده در کشور را مهم دانستند و افزودند: مذاکرات با اروپایی‌ها قطع نشود اما نباید معطل بسته اروپایی ماند بلکه باید کارهای فراوان لازم در داخل کشور را دنبال کرد.